

بحرانهای معرفتی و درونی و تأثیر آنها بر گرایش جوانان به جرایم منافی عفت

سیامک جعفرزاده^۱
صفدر محمدی^۲

چکیده

هدف: اسلام دین فطرت است به همه نیازهای جسمانی و روانی انسان توجه دارد و بر نیاز جنسی نیز تأکید دارد. نگرش اسلام به غریزه جنسی، منفی نیست؛ بلکه بر ارضای درست آن تأکید شده است. پژوهشها نشان داده است که سرکوبی این غریزه یا انحراف در ارضای آن، مشکلات و بیماریهای روحی و روانی و جسمی زیادی در پی دارد. یکی از اهداف این پژوهش، معرفی بحرانهای معرفتی و تأثیر آن بر گرایش جوانان به جرایم منافی عفت برای ارائه راهکارهای دینی به منظور مبارزه با آن بود. **روش:** در این تحقیق با روش تحلیلی - توصیفی، تلاش شد به علل گرایش جوانان به جرایم جنسی از منظر آیات قرآن و احادیث پرداخته شود. **یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** نتایج نشان داد که بیشترین عامل گرایش جوانان به جرایم منافی عفت در دو برهه زمانی قبل و بعد از ازدواج، ضعف ایمان است و چنانچه شخص از ایمان کافی برخوردار باشد، سایر عوامل مانند عوامل فردی و اجتماعی، تأثیر چندانی در پیدایش این مشکل نخواهند داشت. در غیر این صورت، ضعف اخلاقی، خلأ عاطفی و ضعف فرهنگی در گرایش جوانان به جرایم منافی عفت سهیم خواهند بود.

واژگان کلیدی: روابط، ناسالم، جوانان، جرم، عفت.

◆ دریافت مقاله: 97/11/01، تصویب نهایی: 98/03/23.

1. دکتری فقه و اصول، استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات، دانشگاه ارومیه (نویسنده مسئول) / نشانی: ارومیه؛ دانشگاه ارومیه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه فقه و حقوق اسلامی / شماره: 32753172 / Email: jafarzadeh@urmia.ac.ir.
2. کارشناس ارشد معارف، قم، مربی، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه.

الف) مقدمه

انسانها مانند سایر موجودات، از دو جنس مخالف تشکیل شده‌اند. این دو جنس با تفاوت‌های آشکار در سطح مسائل زیستی، فیزیولوژیک و روان‌شناختی به وجود آمده‌اند که باعث کامل شدن یکدیگر است. یکی از انواع ارتباط افراد جامعه، رابطه با جنس مخالف قبل و بعد از ازدواج است که گاهی به صورت سالم و گاهی به صورت ناسالم است.

هدف اسلام و قرآن، تربیت انسان کامل است و انسان کامل جز در سایه ارضای متعادل نیازهای روحی و جسمی‌اش شکل نمی‌گیرد. در میان جوانان، گرایش به جرایم جنسی فراوان به چشم می‌خورد که آثار شوم زیادی از لحاظ روانی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی به جا گذاشته است. برای نمونه، اختلاط آزاد جوانان در محیط‌های اجتماعی یکی از مشکلات نادرست این روابط است که آرامش را از خود شخص و خانواده و ... گرفته است. شناختن عوامل و انگیزه‌های روانی این پدیده که مهم‌ترین تأثیر را در سالم‌سازی روابط اجتماعی انسانها می‌گذارد، به ما در ارائه راهکار و درمان بسیار کمک می‌کند. بر این اساس، پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که: تأثیر بحرانهای معرفتی به جرایم منافی عفت از منظر قرآن چیست؟

ب) پیشینه تحقیق

حدادزاده نیری (1388) در مقاله «تحقیق در جرایم منافی عفت» می‌نویسد: وجدان و اخلاق عمومی همواره ارتکاب جرم را عملی غیر اخلاقی و ناپسند می‌داند و این امر، یکی از مبانی عمده جرم‌انگاری است. بیگی و همکاران (1392) در «سیاست جنایی پیشگیرانه ناظر بر جرایم منافی عفت در ایران» می‌نویسند: پیشگیری اجتماعی در جرایم منافی عفت از طریق مداخله در محیط اجتماعی و شخصی فرد بزهکار صورت می‌گیرد. به گفته قدسی و مجتهد سلیمانی (1389) در بررسی «جرایم رایانه‌ای علیه اخلاق و عفت در حریم خانواده به ویژه جرم قوادی و هرزه‌نگاری»، تأثیر جرایم رایانه‌ای علیه عفت و اخلاق در حریم خانواده، شناخت مشکلات قانونی مربوط به آن و ارائه راهکار برای حل آنها، از ضرورت‌های پژوهشی در عرصه فقه و حقوق خانواده است. کرمعلی (1379) نیز در تحقیق «ارزش اثباتی علم و آگاهی قاضی در جرایم منافی عفت» می‌نویسد: بی‌تردید در میان سایر جرایم، جرایم منافی عفت به لحاظ آثار خاص و تبعات زیان‌بار حیثیتی و اجتماعی که در پی دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این نتایج زیان‌بار در جامعه‌ای که بافت فرهنگی مردم آن از دین نشأت گرفته است، شدیدتر خواهد بود.

با توجه به پیشینه ذکر شده، جنبه نوآوری تحقیق حاضر در آن است که تلاش شده به بحرانهای معرفتی و درونی اشاره شود و تأثیر آنها را در گرایش جوانان به جرایم منافی عفت بررسی کند.

ج) معناشناسی

1. جرایم منافی عفت

هر کاری مربوط به امور جنسی است که بر حسب عرف و احساسات عمومی، شرم‌آور باشد و قانون آن را جرم شمارد (جعفری لنگرودی، 1378: 1533). جرایم منافی عفت عبارتند از: جرایم ضد خانواده و بزهدایی که مغایر عفت عمومی و اخلاق حسنه باشند (همان). یکی از مهم‌ترین و مشکل‌ترین مباحث در خصوص جرایم منافی عفت، تعریف این جرم و تبیین مفهوم صحیح آن است؛ زیرا تفاوت در تعریف این جرم به نوبه خود منجر به تفاوت و شناسایی مصادیق این جرم خواهد شد. چه در متون فقهی و چه در قوانین جزایی، تعریفی از جرم منافی عفت نشده و فقط به ذکر مصادیق آن اکتفا شده است. از منظر دکترین حقوقی، منافی عفت عبارت است از: «امور جنسی به معنی هر چه وسیع‌تر که به حسب عرف و احساسات یک جامعه شرم‌آور باشد و به منظور موافقه یا شروع در آن صورت بگیرد. اگر به منظور موافقه یا شروع در آن صورت گیرد، هتک ناموس یا شروع در هتک ناموس است نه منافی عفت» (همو، 1388: 690).

از نظر رویه قضایی، جرم منافی عفت، هرگونه رابطه ناشی از تمایل زن و مرد به یکدیگر است که از حد متعارف جامعه فراتر باشد؛ به نحوی که جامعه نتواند از آن چشم‌پوشی کند و آن را عملی ضد اخلاق و عفت عمومی شمرده و مستحق مجازات و کیفر بداند. بنابر این، به طور کلی جرایم منافی عفت عبارتند از: هرگونه رابطه یا رفتار جنسی یا فعالیت مجرمانه با محوریت مسائل جنسی خارج از حد متعارف ارزشهای پذیرفته‌شده در جامعه که حیثیت، اعتبار و آبروی فردی و خانوادگی اشخاص و جامعه را در معرض خطر قرار دهند.

2. بحرانهای معرفتی

بحران معرفتی، مثلی است که اضلاع آن را خداشناسی، انسان‌شناسی و جهان‌شناسی تشکیل می‌دهد. لذا ماهیت بحران، خود را در سه موضوع نشان داده که چگونه انسان در سه حوزه، از معرفت و شناخت مناسب بی‌بهره بوده و در تحیری به سر می‌برد که او را آزار می‌دهد. مشخصه فهم عصر حاضر، علم‌گرایی و تجربه‌گرایی و حس‌گرایی است و همین ویژگی‌هاست که باعث شده ابزار شناخت از نظر بسیاری، محدود به حس و تجربه باشد و هر آنچه به حس و تجربه نیاید، انکار شود. لذا حقایق و واقعیات غیر مادی و هر آنچه در خور تجربه و حس نیست، جایگاهی در شناختهای بشری ندارد و امور غیر مادی از دایره شناخت انسان خارج می‌ماند. محدود کردن شناختهای انسان به محسوسات و مهجور ماندن از شناخت غیر آن؛ یعنی مواجه شدن با بحرانی به نام «بحران معرفتی». رهاورد این بحران، بریدن و محروم شدن انسان از غیر ماده و ابزارهای شناخت غیر مادی است و چه سخت و بحران‌زاست برای انسانی که خود از ساختهای مادی و غیر مادی شکل گرفته - و آنچه قوام و حقیقت او را ساخته، همان بعد غیر مادی است - از آن بُعد و ساحت بریده شود. (کرمی، 1388)

3. بحران اخلاقی

امروزه انسانهای به تمدن رسیده‌ای که خود را مدرن و عالم می‌پندارند، با بحرانهای اخلاقی زیادی مواجه‌اند و از رذایل اخلاقی رنجورند؛ رذایلی مانند می‌گساری، شهوترانی، همجنس‌بازی، آزار و اذیت جنسی کودکان و نوجوانان، تعلّی به حقوق دیگران به بهانه حقوق بشر و دموکراسی، استعمار ملت‌های ضعیف، محروم کردن ملت‌های مستقل از فناوری علمی، تزلزل خانواده و نقض شخصیت واقعی زن. امروزه معیار و ملاک خوبی و بدی، لذت‌گرایی و سوداگرایی مادی است. دعوت انسان به ارزشها و فضایل والای انسانی و مبارزه با نفس اماره بی‌معنا شده است و رذایل اخلاقی بر اساس این ملاکها توجیه اخلاقی پیدا کرده‌اند. ریشه این بحران اخلاقی، غفلت از ساخت غیر مادی انسان و فضایل فطری او و عدم توجه به خدا و تعالیم پیامبران الهی است. راه برون‌رفت از این بحران آن است که بار دیگر آدمی به خود رو کند و تنها بعد مادی را در نظر نگیرد، بلکه به بعد معنوی و غیر مادی خود و به گنجینه‌های نهفته در آن نیز اهتمام جدی بورزد. زندگی را منحصر به این دنیا نداند و رشد تکامل اخلاقی و معنوی خود را در محال، تعالیم پیامبران الهی بداند. (مردان، 1394)

4. بحران روانی

امروزه پیشرفتهای مهم و شگفت‌آوری در علوم تجربی، به ویژه روان‌شناسی و روان‌کاوی رقم خورده و متخصصان این علوم توانسته‌اند ابعاد ناشناخته روان آدمی را بکاوند و جوانی از تعامل پیچیده آن را با عوامل محیطی و وراثتی و ویژگی‌های فیزیولوژیک برملا سازند؛ اما نتوانسته‌اند مشکلات روحی و روانی انسان را مانند اضطرابها و فشارهای روانی، افسردگی‌ها و پوچ‌گرایی و بی‌معنا بودن زندگی، درمان کنند. انسان امروز هویت واقعی خود را از دست داده و خویشتن خویش را گم کرده است و احساس تنهایی می‌کند. تمام این مشکلات، ناشی از نشناختن هویت و حقیقت خود است. با خالقش قهر کرده و او را در زندگی خود کنار نهاده است. غافل از آنکه حیات و تکامل او در گرو ارتباط با خداوند است. اینها نمونه‌هایی از بحرانهای فرا روی انسان است. خوشبختانه انسان قرن بیست یکم به نقش دین در حل بحرانها پی برده است و به سوی آن گرایش پیدا می‌کند. (همان)

(د) تأثیر بحرانهای درونی بر جرایم منافی عفت

زندگی انسان خالی از عوامل تأثیرگذار نیست. در ایجاد گرایش جوانان به جرایم جنسی، برخی عوامل از جمله: عوامل شناختی، اخلاقی، عاطفی و جسمی دخالت دارند که به خود شخص برمی‌گردند. در این تحقیق به تأثیر بحرانهای درونی به عنوان مهم‌ترین عوامل درونی از جمله: عوامل شناختی و اخلاقی و عاطفی و جسمانی اشاره شده است.

1. عوامل شناختی

با مراجعه به آیات قرآن می‌توان به عوامل شناختی بحرانهای معرفتی از جمله: جهل به خداشناسی و انسان‌شناختی و فرجام‌شناختی اشاره کرد.

یک) جهل به خداشناسی

شکی نیست دوران جوانی بحرانی‌ترین دوران زندگی از نظر شهوت جنسی است؛ تا جایی که جوان را کپسول شهوت می‌نامند. بنابر این، کوچک‌ترین عامل تحریکی، موجب انحراف جوان از عفت و پاکدامنی می‌شود. بنابر این، اگر جوان اعتقاد صحیح و ریشه‌دار نداشته باشد که بتواند در مقابل عوامل محرک او را حفظ کند، به گرداب گناه می‌افتد؛ زیرا بدیهی است کسانی که اعتقاد به خدا داشته باشند، از ارتکاب به آنچه ایشان را از آن نهی فرموده، بر حذر می‌باشند (فقیه نیری، 1388: 199). بنابر این، جوانی که نسبت به خداوند متعال شناخت کافی نداشته باشد یا گرفتار غفلت شده باشد، قسی‌القلب شده و ثمره این قساوت، جرأت آلوده شدن به هر گناهی از جمله روابط ناسالم جنسی است.

دو) جهل به انسان‌شناسی

انسان علاوه بر علم و آگاهی به اشیا و دیگران، درباره خود نیز باید آگاهی و شناخت داشته باشد. قرآن کریم (زمر: 15) درباره کسانی که خود را باخته‌اند، می‌فرماید: زیانکاران واقعی کسانی‌اند که سرمایه عمر و جان خویش را از دست بدهند (مکارم شیرازی، 1375: 406). اصولاً یکی از بزرگ‌ترین بدبختی‌ها و مصائب انسان، خودفراموشی است؛ زیرا ارزشها و استعدادها و لیاقت‌های ذاتی خود را که خدا در او نهفته و از بقیه مخلوقات ممتاز ساخته، به دست فراموشی می‌سپرد و این مساوی با فراموش کردن انسانیت خویش است. چنین انسانی تا سرحد حیوان درنده سقوط می‌کند و همتش چیزی جز خواب و خوراک و شهوت نخواهد بود (مان: 541). بنابر این از عوامل مهم غلبه بر شهوت، شناخت شأن و منزلت خویش و احیای شخصیت معنوی است. یکی از مصادیق زیانکاران، کسانی‌اند که نسبت به شناخت مقام خود تلاشی نکرده‌اند. جوانی که نسبت به مقام انسان، آشنایی کافی نداشته باشد؛ خود و عمر خود را به هدر می‌دهد.

سه) جهل به فرجام‌شناسی

در منابع دینی بر این عامل تأکید فراوان شده است؛ تا جایی که خداوند متعال، پیامبر (ص) را «مُنذِر» (انذار دهنده) معرفی می‌کند. در قرآن کریم آن‌قدر که به انذار توجه شده، به بشارت توجه نشده است؛ آنجا که می‌فرماید: «لَئِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مِّنْ يَّخْشَاهَا» (نذعات: 45). برخی، آیه شریفه انذار را مخصوص کسانی می‌دانند که ترس از آن روز بزرگ دارند. این‌گونه تعبیرات، اشاره به این حقیقت است که تا روح حق‌جویی و حق‌طلبی و احساس مسئولیت در برابر پروردگار در انسان نباشد، نه به سراغ تحقیق از کتب آسمانی می‌رود، نه معاد و نه گوش به اندازهای انبیا و اولیای می‌دهد. (مکارم شیرازی و همکاران، 1375: 16)

امام علی(ع) با اشاره به نقش یاد روز قیامت در چشم‌پوشی از گناه، پاکان را در جامعه مسخ شده می‌ستاید و آنان را چنین توصیف می‌کند: «و مردانی چند باقی ماندند که یاد روز بازپسین چشم‌های ایشان را از لذات دنیا پوشانده است و از بیم آن روز اشکشان جاری است». (نهج‌البلاغه، خطبه 32: 56)

برخی معتقدند جهل و حماقت، زمینه گناه را در انسان به وجود آورده و او را به سوی گناه می‌کشاند؛ مانند جهل به خدا، جهل به هدف از آفرینش، جهل به قوانین خلقت، جهل به زشتی گناه و آثار آن. (فرائی، 1386: 50)

حضرت یوسف(ع)، بی‌بندوباری جنسی را همراه با جهل می‌شمارد: «قَالَ رَبُّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَالْأُتْرَافِ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصَبُ إِلَيْهِنَّ وَ أَكْثَرُ الْجَاهِلِينَ» (یوسف: 33)؛ حضرت یوسف(ع) از پروردگار درخواست می‌کند که سوء‌قصد زنان را از او بگرداند؛ اگر کید ایشان را از من نگردانی، از جای کنده می‌شوم، به سوی آنان میل کرده و در نتیجه از جاهلان می‌شوم. به این معنی که جهل سبب می‌شود انسان به سوی جنس مخالف کشیده شود و در مهلکه عشق و هوس‌بازی قرار گیرد. (طباطبایی، 1366، ج 11: 240)

پایداری در برابر طوفان سهمگین غریزه جنسی، تنها در گرو برخورداری از ایمان و پناهگاه معنوی است. کسی که از این سرمایه عظیم محروم است، تنها با تکیه بر وجدان اخلاقی نمی‌تواند در برابر امواج غرایز ایستادگی کند و خود را از بیراهه و انحراف نجات بخشد. بنابر این، گاه عدم اطاعت جوانان از دستورات ارتباطی دین مبین اسلام و انحراف جنسی آنان، به دلیل ناآگاهی نیست؛ بلکه به دلیل سستی و تزلزل ایمان و عدم اطاعت از دستورات دین است.

2. عوامل اخلاقی

در قرآن، موانع ایمان و عوامل سقوط اخلاقی به طور کلی در سه عنوان عام و وسیع و در عین حال مربوط به هم قرار می‌گیرند که به ترتیب عبارتند از: هوای نفس، دنیا و شیطان. بهتر است بگوییم علمای اخلاق با استفاده از آیات قرآن، موانع تکامل و عوامل سقوط انسان را در سه عامل نامبرده خلاصه کرده‌اند. در ادامه به برخی از آیات مرتبط اشاره می‌شود.

یک) پیروی جوان از گامهای شیطان

پیروی از گامهای شیطان، از عوامل گرایش جوانان به جرایم منافی عفت است که در آیات مختلفی به آن اشاره شده است؛ از جمله: «وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ * إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ الْفَحْشَاءِ...» (بقره: 169-168). طبرسی در تفسیر آیه می‌گوید: «از گامهای شیطان پیروی نکنید؛ یعنی در تبعیت کردن از هوای نفس به دنبال او نروید و به او اقتدا نکنید. خطوات جمع خطوه است و آن، میان دو قدم شخص خطاکار است. به درستی که شیطان دشمنی آشکار برای شماست که می‌خواهد شما را به فریب و

بحرانهای معرفتی و درونی و تأثیر آنها بر گرایش جوانان به جرایم منافی عفت ♦ 631

دروغ به دوزخ آرد و همانا شیطان، شما را به بدی‌ها و کارهای زشت امر می‌کند؛ یعنی وسوسه می‌کند». (طبرسی، 1377، ج 1: 385-386)

دو) تبعیت از هوای نفس (بدون علم)

تبعیت از هوای نفس نیز از علل و عوامل گرایش جوانان به جرایم جنسی است و خداوند در قرآن درباره کسانی که بدون علم از هوای نفس پیروی می‌کنند، می‌فرماید: ﴿إِنَّ أَتَّبِعَ الَّذِينَ ضَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بَغَيْرِ عِلْمٍ﴾ (روم: 29). طبرسی در تفسیر این آیه چنین آورده است: یعنی ستمکاران در حال جهل و نادانی تابع هواهای نفسانی‌اند؛ زیرا شخص دانشمند اگر از هوای نفس پیروی کند، ممکن است دانشش او را بازدارد؛ ولی فرد نادان و جاهل مانند حیوانات دیوانه‌وار از هوای نفس پیروی می‌کند و چیزی هم مانع او نمی‌شود. (همان، ج 5: 36)

سه) دنیاخواهی

امام صادق (ع) می‌فرماید: دنیاخواهی و عشق به دنیا ریشه هر گناه است؛ بنابراین، دنیاخواهی منشأ جرایم منافی عفت نیز می‌شود. خداوند در این باره می‌فرماید: ﴿يُنَّ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاتِيرِ الْمُقَنَطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرَسِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَاٰبِ﴾ (آل عمران: 14). در نظر برخی، این آیه دلالت دارد بر اینکه: برای مردم آنچه دل‌هایشان می‌خواهد، زینت داده شده است. خداوند، خواهش‌های درونی را «شهوآت» نامید به جهت مبالغه و اشاره به اینکه مردم، فانی در دوست داشتن آن چیزهایند، تا آنجا که دوستدار خودِ شهوت‌ها شدند. (فیض کاشانی، 1387، ج 1: 507)

در خصوص دنیا، در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ﴾ (محمد: 36). ابن کثیر ذیل این آیه آورده است: «خداوند متعال به خاطر تحقیر امر دنیا و خوار شمردن شأن آن می‌فرماید: همانا زندگانی دنیا فقط بازیچه و سرگرمی است و یعنی حاصل دنیا همین است» (ابن کثیر دمشقی، 29-1428: 1729). آلوسی نیز در تفسیرش می‌فرماید: ثباتی برای زندگانی دنیا نیست و به آن اعتماد نمی‌شود. (آلوسی بغدادی، 1421، ج 25: 328)

در حدیث شریف، «حب دنیا» چنین معرفی شده است: «قساوت قلبها از خشکی دیدگان سرچشمه می‌گیرد و خشک شدن چشمها به خاطر زیادی گناهان است. فراوانی گناهان نیز ریشه در دوستی دنیا دارد و محبت دنیا سرچشمه و ریشه همه خطاهاست». (اسماعیل یزدی، 1378: 372)

از آنچه ذکر شد می‌توان نتیجه گرفت که: دختر و پسر جوان، اگر اسیر عوامل سقوط اخلاقی شوند، بر اثر قساوت قلب و غرق شدن در شهوات و دنیا، خود را به هر گناهی آلوده می‌سازند.

چهار) دوستی‌های آشکار و پنهان جوانان

قرآن از دوستی‌های آشکار و پنهان جوانان، که از موارد سقوط اخلاقی است، نهی فرموده است: ﴿وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فِتْيَانِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ

بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ فَأَنْكِحُوا هُنَّ بِأَذْنِ أَهْلِهِنَّ وَأَتَوْهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ» (نساء: 25). برخی می‌نویسند: این آیه درباره «نهی از دوست پسر گرفتن» است. بین «أخدان» و «مسافحات» فرق است؛ أخدان، آن نوع از دوست زن است که با او در پنهان زنا می‌کند، همان‌طور که در زمان جاهلیت بود و مسافحات، زنا آشکار است. در میان اعراب جاهلی این چنین بود که زنا آشکار را حرام می‌شمردند، ولی زنا پنهانی را حرام نمی‌دانستند (طوسی، 1431، ج 3: 163). در مجمع‌البیان آمده است: «منظور این است که ازدواج با آن کنیزانی درست است که پاکدامن باشند، نه زشتکار؛ و نیز از آنانی نباشند که در نمان برای خویش دوستانی از جنس مخالف می‌گیرند. ابن عباس در این باره می‌گوید: در جاهلیت کسانی بودند که زنا آشکار را حرام می‌شمردند، اما زنا پنهان را روا می‌دانستند؛ از این رو خداوند، هم زشتکاری آشکار را تحریم فرمود و هم زشتکاری در نمان را و آیه شریفه، اشاره به تحریم هر دو شیوه زشت است» (طبرسی، 1377، ج 3: 39). می‌توان گفت در ملاقات پنهانی، چون دور از چشم دیگران انجام می‌گیرد، مفاسد هم زیاده‌تر است.

منظور از «محصنات» در آیه شریفه، زنان عفیف‌اند. البته این یکی از معانی «حصان» است، ولی شواهدی این معنی را متعین می‌سازد؛ از جمله اینکه، «والمحصنات من المؤمنات» (زنان عفیف و باایمان و اهل کتاب بر شما حلال‌اند) به خوبی می‌رساند که منظور از «محصنات»، زنان شوهردار نیستند. (طباطبایی، 1366، ج 5: 318)

چون آیات قرآن اطلاق دارد، این آیه فقط شامل کنیزان و مردان زمان جاهلیت نبوده، بلکه در هر دوره زمانی و بر هر دختر و پسری (ثروتمند یا فقیر)، دوستی با دختران و پسران مجرد چه به صورت آشکار و چه پنهانی، حرام است؛ زیرا منشأ این دوستی‌ها شهوت و هوای نفس است. رابطه پنهانی و آشکار، خارج از محدوده شرع و بدون عقد ازدواج، سرپیچی از دستور خداوند است و همین کار، عاملی بر ایجاد روابط ناسالم جنسی و بی‌عفتی و گرایش به جرایم منافی عفت است.

پنج) خودمحوری نوجوان و جوان

نوجوان به دلیل «خودمحوری» در ذهنش، نمی‌تواند به آسانی در خصوص احتمال خطا بودن اندیشه خود فکر کند. به عبارتی؛ نوجوان به آسانی نمی‌تواند از ذهن خویش خارج شود و ذهن دیگران را نیز در نظر بگیرد. به همین سبب در خصوص اندیشه و باور خود، مطلق عمل می‌کند و باور خود را تقریباً به طور مطلق، درست می‌پندارد. همین مسئله باعث می‌شود کمتر به عواقب عمل خود و وقایعی که ممکن است در آینده به وقوع بپیوندد، بیندیشد. (احمدی، 1375: 56)

اسلام در مبارزه همه‌جانبه و عملی با خودخواهی، اصولی را مد نظر قرار داده است که به سه محور اصلی آن اشاره می‌شود:

بحرانهای معرفتی و درونی و تأثیر آنها بر گرایش جوانان به جرایم منافی عفت ♦ 633

1. ایمان به خداوند و حیات پس از مرگ: محور مبارزه با خودخواهی، توجه به مبدا و معاد است. روح تمام تعلیم آسمانی این است که انسان در همه حال به حضور پر احتشام الهی توجه داشته باشد و از یاد مرگ و آخرت غفلت نکند. توجه به مبدا و معاد از روی ایمان و معرفت، زمینه را برای نشو و نماي خودخواهی و مفاسد حاصل از آن از بین می‌برد.

2. رهایی از افراط در غرایز و امیال: اسلام با ارائه روش خودسازی و تهذیب نفس و همچنین احکام و دستورالعملهای فراوان در قالب شریعت، که حتی مشتمل بر جزئی‌ترین اعمال و رفتار انسان می‌شود، حدود مناسب برای هر میل و گرایشی را تعیین کرده است؛ به طوری که اگر این اندازه‌ها رعایت شود، سهم هر میلی ادا شده، از هر گونه افراط و تفریط جلوگیری می‌شود.

3. مبارزه مستقیم با مظاهر خودخواهی: علاوه بر دو اصل یادشده، اسلام در تعالیم خود به طور مستقیم با آثار و مظاهر خودخواهی به مبارزه‌ای جدی و همه‌جانبه می‌پردازد. برای مثال، اسلام با صفاتی از قبیل حسد، خودنمایی، جاه‌طلبی، کینه‌توزی، خودبرتربینی و... به شدت مبارزه می‌کند و از طرفی، بر صفاتی همچون: خیرخواهی، فروتنی، عفو، گذشت، محبت و احترام به دیگران و امثال آن، که در نقطه مقابل صفات منشعب از خودخواهی قرار دارند، تأکید می‌کند.

امام علی(ع) خودبینی و خودمحوری را نهی فرموده است: «هر که از اندیشه و رأی خود خوشش آید، ناتوانی تباهاش سازد» (آمدی، 1335، ج 2: 622، ح 563). همچنین می‌فرمایند: «خودبینی ضدّ و منافی درست‌اندیشی و آفت عقلهاست» (آمدی، 1384، ج 1: 139)؛ زیرا خودبین هر چه به خاطرش رسید، درست و صواب داند و عقل خود را نگذارد که تأمل و تفکر در آن کند و به موعظه و پند دیگری گوش نکند و ظاهر است که این معنی ضدّ صواب و آفت عقل است.

به نظر می‌رسد خودمحوری نوعی انحراف اخلاقی است که بیشتر در دختران و پسرانی مشاهده می‌شود که اسیر خواسته‌های خویش‌اند. اگر جوان طبق دستورات دین در رشد اخلاقی خویش نکوشد، آداب برخورد با دیگران، به خصوص چگونگی و حدود برخورد با جنس مخالف را نخواهد دانست و ممکن است به انحراف کشیده شود.

ش) برخورد های غیر عادی و ناپخته

برخی از دختران و پسران برای جلب نظر جنس مخالف به خود، برخوردهای ناپخته و نسنجیده‌ای دارند؛ از جمله: مسخره کردن، مزاحمت‌های تلفنی، گوشه چشم نشان دادن و رفتارهای سبک دیگر. حضرت علی(ع) می‌فرمایند: «گوشه چشم نشان دادن، راهنمای فتنه‌هاست». (رسول‌ی محلاتی، 1386، ج 1: 255). به نظر می‌رسد ناپختگی شخصیت دختر و پسر، ناشی از ضعف رشد اخلاقی است. پسر جوانی که از مزاحمت و اذیت و ابراز عشق‌های دروغین و هوس‌آلود و گوشه چشم نشان دادن به دختر مردم هیچ عذاب وجدانی ندارد و

دختری که با نوع پوشش و آرایش و با حرکات سبک و نگاهها و رفتارهای نسنجیده‌اش، دل پسران ضعیف را فریب داده و به فکر گناه و سایر اعمال زشت می‌اندازد، از اخلاق به دور بوده و گرفتار فتنه‌هاست.

3. عوامل عاطفی

یک (کمبود محبت

یکی از آثار محبت به کودک، مصون داشتن او از انحرافات اخلاقی است. پدر و مادر می‌توانند با بذل محبت خود به کودک، جلوی بسیاری از لغزشهای او را بگیرند، زیرا کمبود محبت می‌تواند یکی از عوامل قوی و تأثیرگذار در سوق دادن اطفال و نوجوانان به سمت بزهکاری باشد. بررسی روان‌شناسان نشان می‌دهد که عامل بسیاری از جرایم اطفال و نوجوانان، کمبود محبت در محیط خانواده است. این افراد به علت اینکه در محیط خانواده مورد بی‌مهری و بی‌اعتنایی پدر و مادر قرار گرفته‌اند، در واکنش به این کمبود، مرتکب جرم می‌شوند. (مینی، 1379: 503)

کسی که از محبت محروم مانده، ممکن است دست به دزدی و قتل و سایر جرایم بزند تا از اجتماعی که آن کودک را دوست ندارد و او را نمی‌پذیرد، انتقام بگیرد. ممکن است چنین فردی دست به خودکشی بزند تا از وحشت تنهایی و محبوب نبودن نجات یابد. خانه‌ای که روح فرزندان خود را از کینه‌توزی تغذیه می‌کند، کاروانی از افراد منحرف و جنایتکار را به سوی جامعه سرازیر می‌کند. به نظر بسیاری از دانشمندان، خیلی از شرارت‌هایی که از جوانان و نوجوانان و حتی بزرگسالان سر می‌زند، به علت کمبود یا نبود محبت در دوران کودکی آنهاست. عقده‌های روانی، اضطرابها، عصبانیت، کم‌رویی، ناکامی‌ها و بسیاری جرایم دیگر را می‌توان در نبود محبت جستجو کرد. گاهی علت فرار فرزندان به ویژه نوجوانان از خانه این است که خود را در خانه تنها می‌بینند و کسی با آنان تماس عاطفی ندارد. (یعقوبی، 1389، ج 7: 53)

انحراف و لغزشهای بسیاری از جوانان و نوجوانان، لجبازی‌ها، بدبینی‌ها، ناامیدی‌ها، گوشه‌گیری‌ها و ناسازگاری‌ها، در فقدان محبت و عدم تأمین نیازهای عاطفی آنان نهفته است. در واقع؛ با محبت به کودک می‌توان او را از بسیاری لغزشها و انحرافات بازداشت و با تأمین نیازهای عاطفی او، سلامت روانی‌اش را فراهم ساخت و از عوارض نامطلوب ناشی از فقدان محبت، مصون داشت.

در روایات، محبت نکردن به فرزندان نکوهش شده است. ابن شهر آشوب به نقل از ابوهریره آورده است: «اقرع بن حابس گفت: من ده فرزند دارم و هرگز یکی از آنها را هم نبوسیده‌ام! پیامبر (ص) فرمودند: کسی که رحم نمی‌کند، به او رحم نمی‌شود. و در روایت حفص فرأء آمده است: پیامبر خدا چنان خشمگین شد که رنگش برگشت و به آن مرد فرمود: اگر خداوند، رحم و مهربانی را از دل تو گرفته است، من با تو چه کنم؟! کسی که با خردسالان ما مهربان نیست و به بزرگسالان ما احترام نمی‌گذارد، از ما نیست.» (ابن شهر آشوب، بی‌تا، ج 3: 384)

635 **◆ بحرانهای معرفتی و درونی و تأثیر آنها بر گرایش جوانان به جرایم منافی عفت**

بنا به گفته پیامبر(ص)، والدینی که به فرزندان خود محبت نکنند، از مسلمانی به دورند. ممکن است حدیث به عواقب محبت نکردن اشراف داشته باشد؛ زیرا بعضی افراد، تحمل بی‌مهری از سوی والدین را ندارند و خیلی زود به روابط ناسالم روی می‌آورند. به طور کلی اگر خانه، پناهگاه عاطفی فرزند نباشد و نیاز عاطفی او بی‌پاسخ بماند، تأثیر منفی در روان وی گذاشته، زمینه برای بی‌آبرویی اهلس فراهم می‌شود.

دو) تحریک عاطفه با وعده ازدواج

بسیاری از دختران به دلیل وجود حساسیتهای عاطفی و روحی، در هر سن و سالی به راحتی توسط افراد سودجو مورد تعرض قرار می‌گیرند؛ به گونه‌ای که در این میان ممکن است دختران جوان مورد سوءاستفاده و تجاوز جنسی قرار گیرند. بیشترین مورد اغفال دختران مربوط به تحریک عاطفه و فریبکاری با وعده‌های واهی و توخالی برای ازدواج است که به دلیل لطافت روحی، معمولاً مورد اغفال افراد سودجو قرار می‌گیرند.

قرآن می‌فرماید: «... وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» (حج: 30). برای این آیه مصادیق فراوانی مانند دروغ، گواهی ناحق و غنا ذکر شده است (قرآنی، 1383، ج 8: 38). به گفته علامه طباطبایی: کلمه «زور» به معنای انحراف از حق است و به همین سبب، دروغ و هر سخن باطل دیگری را «زور» می‌گویند. (طباطبایی، 1366: 524)

در روابط دختران و پسران، از مصادیق «قول زور» که «دروغ» و «سخنان باطل دیگر است»، مانند سخنان هوس آمیز، سخنان بیهوده و لغو، وعده‌های دروغین و فریب‌دهنده زیاد دیده می‌شود. در این گونه دوستی‌ها، بیشتر دختران آسیب می‌بینند؛ زیرا وعده‌های دروغین اکثراً از سوی پسران است. دختران ساده‌لوح در طرح دوستی خود، با تصور اینکه به ازدواج ختم خواهد شد، به دوستی با پسران ادامه می‌دهند. این طرز تفکر غلط و از طرفی وعده‌های دروغین پسران، عاملی بر روابط نامشروع میان آنهاست. بنابر این، در این گونه روابط، وعده‌های دروغین و فریب دادن دیگران به امید ازدواج، نوعی انحراف از حق محسوب می‌شود. در روایات ائمه معصومین(ع)، افراد دروغگو و فریب‌دهنده، نکوهش شده‌اند. برای نمونه، حضرت علی(ع) می‌فرماید: «فریب‌دهنده، دین ندارد» (آمدی، 1335، ج 2: 843، ح 286). همچنین می‌فرماید: «فریبندگی‌ها و آرزوها تو را فریب ندهند که برای نادانی تو همین بس است» (همان: 829، ح 281). برای بازدارندگی و جلوگیری از وقوع جرایم متعدد علیه دختران، در قوانین و مجازات اسلامی همواره با توجه به درجه و نوع جرم صورت گرفته، مجازات متناسب برای مجرم در نظر گرفته شده است.

سه) بی‌تابی جوان و جستجوی حمایتگر

دختر و پسر جوان، دنبال یک پناهگاه روحی می‌گردند تا در کنارش احساس آرامش کنند (مظاهری، 1381: 42). جوان در مرحله بلوغ جنسی می‌خواهد روابط دوستانه نزدیک با دیگران پیدا کند؛ ارزشمندترین و مهم‌ترین هستی و دارایی‌اش را به فرد دیگری هدیه دهد و در پی یافتن هویتی جدید است و گمان می‌کند خانواده و والدینش نمی‌توانند از وی حمایت کنند (کریم‌خانی، 1389: 63). بنابر این، اگر امکان ازدواج برای این گونه

جوانان وجود نداشته باشد، بی تاب شده، صبر و آرامش روانی خود را از دست می‌دهند و مدام در پی شخصی‌اند که زیانشان را بفهمد و تنها حامی و راه رسیدن به آرامش را در ایجاد رابطه با جنس مخالف می‌دانند. حضرت علی(ع) می‌فرماید: «بی‌تابی، هر کس را به بند آورد، از فضیلت صبر محروم ماند» آمدی، 1335، ج 2: 633، ح 431) و از حضرت رسول(ص) روایت رسیده که به حضرت علی(ع) فرمودند: «یا علی! کسی که کم‌تحملی بر او غلبه کند، آرامش از کف بدهد». (بن بابویه، 1403: 230، ح 72)

به نظر می‌رسد جوانان بی‌تاب، مفهوم و هدف از زندگی را درست نفهمیده‌اند و به جای آنکه علت بی‌هدفی و بی‌تابی را در درون خود جستجو کنند، به دنبال گمشده و هویت خود، در ارتباط با جنس مخالف‌اند و مرتکب جرایم جنسی می‌شوند.

چهار) ترخم و همدردی

دوستی‌هایی از باب ترخم و همدردی با جنس مخالف کم نیستند. دیده شده است که جوان به خاطر فقر مالی خانواده دختر یا پسر، از باب ترخم با چنین شخصی رابطه دوستانه برقرار کرده است. اما بی‌خبر از اینکه شیطان و نفس با هر وسیله‌ای در پی تحریک جوانان برای ارتباط و دوستی ناسالم‌اند. شاید در ابتدا واقعاً شخص از باب ترخم و همدردی قدم جلو بگذارد، اما با گذشت زمان، جلوه زشت این رابطه با پیامدهای زشت آشکار می‌شود.

4. عوامل جسمانی

یک) رشد جسمانی و زیبایی در ایام نوجوانی

خداوند می‌فرماید: «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ» (قصص: 14). «أشدُّ» از ماده شَدت و به معنی نیرومند شدن و «استوی» از ماده استواء، به معنی کمال خلقت و اعتدال آن است. (مکارم شیرازی و همکاران، 1375: 39)

نوجوانان هشیاری خاصی نسبت به رشد جنسی در بدن خود و همسالانشان دارند. در حالی که آنان ممکن است از تغییرات هورمونی که در درونشان اتفاق می‌افتد آگاه نباشند، این هورمون‌ها نقش مهمی در حساس کردن نوجوانان نسبت به احساس جنسی و پاسخ‌دهی نسبت به دیگران دارند (یابان‌گرد، 1384: 53). برخی از جوانان، به قدرت و زیبایی در این ایام مغرور شده، حرکات و رفتارهای نسنجیده از خود نشان می‌دهند. بنابر این، می‌توان نتیجه گرفت که تغییر و تحولات جسمانی نیز اگر همراه با خودنمایی برای جلب توجه نامحرم باشد، می‌تواند به گونه‌ای در ایجاد روابط ناسالم تأثیر بگذارد.

دو) نوع تغذیه

همان‌گونه که غذای سمی جسم انسان را مسموم می‌کند، غذای حرام، روح انسان را آلوده می‌کند (قرائتی، 1391: 79). بعضی از خوردنی‌ها در اسلام (از نظر راه کسب یا ساختار) حرام است. برای مثال، خداوند متعال

بحرانهای معرفتی و درونی و تأثیر آنها بر گرایش جوانان به جرایم منافی عفت ❖ 637

درباره گوستهای حرام می‌فرماید: «حَرَّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالِدَّمَ وَ لَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ» (مانده: 3)؛ مردار بر شما حرام شده، همچنین خون و گوشت خوک و حیواناتی که طبق سنت جاهلیت به نام بتها و غیر خدا ذبح شوند و نیز حیواناتی که خفه شده باشند.

علت حرام بودن گوشت این حیوانات در نظر برخی، این است که گوشت اینها نوعی مسمومیت دارد و جزء گوستهای سالم و حتی بهداشتی هم نیست؛ حتی اگر ذبح شرعی هم انجام شود، خوردن آنها جایز نیست. (مکارم شیرازی و همکاران، 1375، ج 4: 258-259). گاهی برخی از غرب‌زدگان می‌گویند چرا گوشت خوک حرام است! این گوشت که ضرر ندارد؛ حتی اگر گوشت خوک انگل‌زاست، تکنیک و پیشرفت علوم، این آثار را از بین می‌برد. پاسخ سؤال بسیار روشن است. خوک، حیوانی بی‌بندوبار و کثیف و تفرآور است. حیوانی که خوی این چنین دارد، در گوشت او نیز چنین زمینه‌ای وجود دارد و انسانی که گوشت خوک می‌خورد، خوی بی‌بندوباری و پلیدی و شهوترانی را از خوک به سوی خود منتقل می‌کند و در این هیچ شکمی نیست. (فرائی، همان: 79-80)

هرگونه نارسایی و کمبود در رشد جسمانی، روان نوجوانان را آزرده کرده، در روابط اجتماعی آنان تأثیر می‌گذارد. بنابر این، توجه و دقت در رشد جسمانی نوجوانان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (شعاری‌نژاد، 1373: 193)

سه) پر خوری و نفس‌پروری جوان

شکم، باعث همه ناخوشی‌ها و آفتها و سرچشمه شهوتهاست؛ زیرا از بسیار خوردن، شهوت فرج به حرکت می‌آید (نراقی، 1383: 307). امام علی (ع) می‌فرماید: «خور و خواب زیاد، جان آدمی را تباہ می‌سازد و زیان به بار می‌آورد». (محمدی ری‌شهری، بی‌تا، ج 1: 156، ح 584)

امام رضا (ع) به نقل از پدراننش از رسول خدا (ص) می‌فرماید: «هیچ چیز در نزد خداوند منفورتر از شکم پر نیست» (محمدی ری‌شهری و همکاران، 1393، ج 3: 540-541، ح 1571). خداوند می‌فرماید: «...كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف: 31). چون طبع زیاده‌طلب انسان ممکن است از این دو دستور سوءاستفاده کند و به جای استفاده عاقلانه و اعتدال‌آمیز از تغذیه صحیح، راه اسراف را پیش گیرد، بلافاصله اضافه می‌کند: «ولی اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست نمی‌دارد». (مکارم شیرازی و همکاران، 1375، ج 6: 149)

البته تن‌پروری بد، غیر از پرورش تن به معنی بهداشت است. آن تن‌پروری در واقع نفس‌پروری است که اغلب بر ضد بهداشت جسم و پرورش جسم است. تن‌پروری بد، معنایش این است که انسان، نفس‌پرور و شهوتران باشد؛ یعنی همیشه دنبال تمایلات نفسانی خود باشد و ربطی به مسئله رشد جسم ندارد. آدم نفس‌پرور فقط درباره شکمش فکر می‌کند. یک آدم تبیل و تن‌پرور دنبال لذتهای دیگر است. شب تا صبح نمی‌خوابد برای اینکه در فلان مجلس عیش شرکت کند، پدر جسم و اعصاب را خودش درمی‌آورد. (مطهری، 1388: 183)

از روایات معصومین(ع) می‌توان چنین نتیجه گرفت: جوانی که روز و شب خود را با بیکاری و پرخوری سپری می‌کند، قطعاً به دنبال هوسرانی خواهد بود. دختر یا پسر جوانی که ساعتهای پربهای عمر خود را با گوشی و موبایل و چت و... برای رابطه کلامی و غیر کلامی با نامحرم می‌گذرانند، در محیط خانه نیز شخص بی‌حرکتی نیست و تنها هدفش ارضای نیازهای جسمی و جنسی خود از راه نادرست است.

چهار) شرابخواری

یکی از علل جسمانی گرایش جوانان به جرایم منافی عفت، خوردن شراب است. در قرآن درباره شراب آمده است: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ» (بقره: 219). در تفسیر تبیان آمده است: این آیه شریفه دلالت می‌کند بر حرام بودن شراب؛ زیرا همانا خداوند فرموده که در آن گناه وجود دارد و گناه آن بزرگ است و چیزی هم که در آن گناه بزرگ باشد، بدون اختلاف حرام است. (طوسی، 1431، ج 3: 211)

«خمر» به معنای پوشش است و لذا به پارچه‌ای که زنان سر خود را با آن پوشانده، مراعات حجاب می‌کنند، «خمار» می‌گویند. از آنجا که شراب قدرت تشخیص را از عقل گرفته، در واقع آن را می‌پوشاند، به آن خمر می‌گویند(قرآنی، 1391: 19). مستی جز فرو رفتن در کارهای پست و مرتکب شدن کردار زشت و ناپسند، حاصلی ندارد و در میخانه‌ها جز زشتی و تعرض به نوامیس چیز دیگری یافت نمی‌شود(قاسمی، 1392: 106). امام صادق(ع) فرمودند: «با شرابخواران همنشین نباشید که چون لعنت آید، همه مجلس را فرا گیرد». (مجلسی، 1403، ج 10: 264، ح 41)

مدتی است از قرصهایی به نام روان‌گردان برای انحراف و شکار جوانان استفاده می‌کنند که به گفته کارشناسان، ضرر و سرعت آن در خستگی، هذیان‌گویی و خواب‌آلودگی بیشتر از تریاک و سایر مواد مخدر است(محمدی‌نیا، 1388: 183-182). در بررسی‌های انجام‌شده روشن شده که این قرصها بیشتر در میهمانی‌ها، اعم از تولد و عروسی‌ها یا گردشهای جوانان، به صورت پنهانی توزیع می‌شوند. بیشتر قربانیان هم جوانان مجردی‌اند که در این مراسم حضور دارند. چه بسیار حوادث تلخی که به واسطه مصرف این گونه قرصها در بین جوانان وجود داشته و دارد. برای مثال، بیشتر پسرانی که از اقدام جنسی علیه دختران عاجزند، با دادن این قرصها به دختران ساده‌لوح به عنوان قرص آرامش‌بخش، دامن عفت آنان را خدشه‌دار کرده‌اند. این حوادث زنگ خطری برای جوانان، به‌ویژه دختران است؛ زیرا مصرف این گونه مواد، هوش و عقل را از سر انسان برده و آنچه نباید واقع شود، پیش می‌آید.

ه) راهکارهای قرآنی برای پیشگیری جوانان از جرایم منافی عفت

1. آگاهی دادن نسبت به تحولات بلوغ

برای پیشگیری از بروز مشکل تحولات بلوغ، باید به نوجوان و جوان در هویت‌یابی کمک کرد تا بتواند برای خویشتن تصویری رضایت‌بخش و امیدآفرین به دست آورد. انسان باید هویتی منسجم داشته باشد؛ زیرا هر کس بر اساس ذات و طبیعت خود عملی انجام خواهد داد. عمل انسان مترتب بر شاکله او است؛ به این معنا که عمل هر چه باشد، مناسب با اخلاق آدمی است؛ چنانچه در فارسی گفته‌اند: «از کوزه همان برون تراود که در اوست». پس شاکله یا هویت نسبت به عمل، نظیر روح جاری در بدن است. بنابر این، بر والدین و مسئولان تعلیم و تربیت واجب است که در راه «هویت‌یابی جنسی» به جوانان کمک کنند تا تصویر روشنی از جنسیت خود و نقشهای مربوط به آن، برخوردهای اجتماعی و دوستی دختران و پسران و عشق و امثال آن پیدا کنند.

2. دقت والدین در روابط جنسی خود

جوانان اولین برخوردها و معاشرتهای ناسالم و مختلط را در خانه تجربه می‌کنند. فرهنگ خانواده است که حدود و مرزها را به فرزندان می‌آموزد. اگر خانواده‌ها حدود شرعی را در روابطشان مراعات نکنند، دیگر چه انتظاری از جوانان با آن شرایط روحی و هیجانی می‌توان داشت. قرآن کریم می‌فرماید: «ای مؤمنان! خود و خانواده خویش را از آتش دوزخ نگاه‌دارید»؛ یعنی خود و زن و بچه خود را تعلیم خیر دهید و ادب کنید. در نگهداری اهل همین بس که به آنان امر کنید بدانچه خدا امر کرده و نهی کنید از آنچه خدا نهی کرده است.

3. توجه به نیازهای جوانان در خانه

جوانان به محبت، برقراری صمیمیت، تنوع، تفریح و هر چه شور و نشاط آنان را حفظ کند، نیازمندند. اگر والدین این نیازها را تأمین نکنند، خود او دست به کار می‌شود و از آنجا که معمولاً جوانان شتاب‌زده و ناپخته عمل می‌کنند، از هر راهی برای رفع نیاز خود اقدام می‌کنند.

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت، پرهیز از بیکاری است. خداوند متعال به پیامبر اسلام (ص) توصیه می‌فرماید: «هنگامی که از کار مهمی فارغ شدی، خود را به کار دیگری مشغول کن». والدین باید برای اوقات فراغت جوانان خود برنامه داشته باشند. فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و تفریحی علاوه بر اینکه آنها را از بسیاری از فسادها حفظ می‌کند، در رشد ابعاد مختلف جوان مؤثر است.

والدین در برخورد با جوانان باید طریق اعتدال را پیش بگیرند و از افراط، تفریط، برخورد خشک و خشن و انعطاف‌ناپذیر خودداری کنند. ضمن نظارت و کنترل نامحسوس بر رفت‌وآمد و رفتارهای آنان،

شخصیت و حریم خصوصی آنان را حفظ کنند؛ زیرا اگر شخصیت او از بین برود و عزت و کرامتی نداشته باشد، هیچ امید خیری در او نیست. از سرزنش و ملامت نیز پرهیز کنند که آتش لجاجت را در آنان شعله‌ورتر می‌کند.

(و) بحث و نتیجه‌گیری

سست شدن باورهای دینی و اعتقادات مذهبی و اخلاقی و خلأ عاطفی و همچنین وجود نواقص در رشد جسمی و جنسی نوجوان و جوان، از عوامل روانی مهمی‌اند که باعث به هم ریختن تعادل روحی در دختر و پسر و گرفتار شدن آنان در دامهای گناه، از جمله رابطه ناسالم با جنس مخالف و گرایش به جرایم منافی عفت می‌شود. انسان در دوره جوانی با عوامل بسیاری در محیط زندگی روبه‌روست که زمینه‌های انحطاط و آلودگی او را فراهم می‌کنند. با بروز تمایلات جنسی در این دوران، جوان بیشتر مورد هجوم و سوسه‌های شیطانی قرار می‌گیرد. لذا اگر از نیروی ایمان قوی برخوردار نباشد، به شهوات جنسی و ارتباط با نامحرم روی می‌آورد. با بررسی شخصیت جوان، می‌توان دریافت که اگر پایه‌های دینی و معرفتی نوجوان و جوان ضعیف داشته باشد، توان خود را در مقابل غریزه جنسی از دست می‌دهد. همچنین به جرأت می‌توان گفت که ضعف ایمان، اصلی‌ترین عامل در روی آوردن جوانان به روابط ناسالم است و سایر عوامل هم به نوعی به ضعف جوان در شناخت او به خدا و انسان و معاد بازمی‌گردد. عوامل دیگر همچون: مشکلات اخلاقی و خلأ عاطفی و عدم رعایت اصول بهداشتی - جسمی در جوانان، هر کدام به نوعی در ابعاد وجود آدمی تأثیر می‌گذارند.

پیشنهادها

1. پیشنهاد می‌شود به دلیل ابهامات حقوقی مربوط به حدود و مصادیق اعمال منافی عفت، نیروی انتظامی در مبارزه با این پدیده در جامعه با احتیاط عمل کند؛ زیرا با افزایش فشار اجتماعی و انتظامی بی‌قاعده، نه تنها آمار این پدیده در سطح جامعه کاهش نمی‌یابد، بلکه جرأت جوانان برای اعمال منافی عفت افزایش می‌یابد.
2. پیشنهاد می‌شود اقدامات پیشگیرانه بر اقدامات مبارزه‌ای علیه اعمال منافی عفت اولویت داشته باشد و پلیس در این زمینه با نهادهای اجتماعی و تربیتی مانند آموزش و پرورش، آموزش عالی و به ویژه خانواده، همکاری داشته باشد. بنابر این، ضمن احترام به حریم خصوصی جوانان و پرهیز از بدبینی نسبت به آنان، پیشنهاد می‌شود پلیس با اعزام کارشناسان انتظامی به مدارس و مراکز آموزش عالی و توزیع سی‌دی‌های آموزشی و طراحی سایتهای پلیسی در مدارس به منظور اطلاع‌رسانی و پاسخ به سؤالات، اقدام کند.
3. پیشنهاد می‌شود هرگونه مبارزه با جوانان مرتکب اعمال منافی عفت بدون انعکاس رسانه‌ای صورت گیرد؛ زیرا انعکاس رسانه‌ای موجب برچسب‌زنی و کاهش قبح این اعمال در جامعه شده، جوانان تحت تأثیر فشار اجتماعی و رسانه‌ای در جهت هیجان‌آفرینی بیشتر به این اعمال دست می‌زنند.

بحرانهای معرفتی و درونی و تأثیر آنها بر گرایش جوانان به جرایم منافی عفت ♦ 641

4. پیشنهاد می‌شود دستورالعمل دستگیری جوانان مرتکب اعمال منافی عفت، اصلاح و به محتوای فتوای مقام معظم رهبری در این زمینه توجه شود. ایشان می‌فرمایند: در روابط شخصی، دخالت و تحقیق جایز نیست؛ رعایت شرایط نهی از منکر لازم است و در امور جنسی شخصی، تعقیب و افشا جایز نیست و تحقیق در موارد مشکوک اگر از مسائل شخصی افراد است، جایز نیست مگر در مواردی که کشف توطئه مهمی متوقف بر آن باشد.

5. با توجه به اینکه اغلب جوانان مجرد، شهرنشین و بیکار یا کم‌درآمد در معرض بزه‌دیدگی و اعمال منافی عفت‌اند و شیوه زندگی این جوانان به نوعی است که رویدادطلب و هیجان‌خواه است و کمتر به خطرات نتیجه اعمال توجه می‌کند؛ پیشنهاد می‌شود به جوانان نقشهای اجتماعی بیشتری از سوی خانواده و جامعه در زمینه‌های شغلی، ورزشی، فرهنگی و اقتصادی داده شود که نیازمند فعالیتهای اجتماعی پیاپی در خارج از منزل باشد تا موقعیت اجتماعی جوانان در ساختار و سلسله‌مراتب جامعه ترمیم شود. این مهم می‌تواند از طریق افزایش حضور جوانان در صحنه‌های اجتماعی مانند انجمنهای صنفی یا فرهنگی صورت گیرد.



منابع

- قرآن.
- نهج البلاغه.
- آلوسی بغدادی، ابوالفضل شهاب‌الدین (1421 ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: مؤسسه تاریخ عربی.
- آمدی، عبدالواحد (1384). شرح غرر الحکم و دررالکلم. شرح جمال‌الدین محمد خوانساری. تهران: دانشگاه تهران، چ ششم.
- آمدی، عبدالواحد (1335). غرر الحکم. محمدعلی انصاری. قم: دارالکتاب.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (1403 ق). الخصال. تحقیق علی‌اکبر غفاری. قم: نشر اسلامی.
- ابن شهر آشوب، ابی‌جعفر رشیدالدین محمد (بی تا). مناقب آل ابی طالب. قم: مطبعه العلمیه.
- ابن کثیر دمشقی، حافظ (29-1428 ق). تفسیر القرآن العظیم. جزء 4. بیروت: دارالفکر.
- احمدی، علی‌اصغر (1375). تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران. تهران: انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چ سوم.
- اسماعیل یزدی، عباس (1378). ینایع الحکمه، ج 2. قم: مسجد مقدس جمکران، چ چهارم.
- امینی، ابراهیم (1379). اسلام و تعلیم و تربیت، جلد 1. قم: انجمن اولیا و مربیان، چ پنجم.
- بیابان‌گرد، اسماعیل (1384). روان‌شناسی نوجوانان. تهران: دفتر فرهنگ نشر اسلامی، چ دهم.
- بیگی، جمال، بابک پورقهرمانی و یوسف لیلان‌دوست (1392). سیاست جنایی پیشگیرانه ناظر بر جرایم منافی عفت در ایران». پیشگیری از جرم، دوره هشتم، ش 28: 30-9.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (1388). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش، چ بیست و یکم.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (1378). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
- حدادزاده تیری، محمدرضا (1388). «تحقیق در جرایم منافی عفت». مجله حقوقی دادگستری، ش 67: 115-126.
- رسولی محلاتی، هاشم (1386). چهل حدیث. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ دوم.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (1373). روان‌شناسی رشد. تهران: اطلاعات، چ یازدهم.
- طباطبایی، محمدحسین (1366). تفسیر المیزان. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء، چ دوم.
- طبرسی، فضل بن حسن (1377). جوامع الجامع. ترجمه احمد امیری شاه‌مهری. مشهد: آستان قدس رضوی، چ دوم.
- طوسی، محمد بن حسن (1431 ق). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: الامیره.
- فقیه‌نی‌ریزی، میر احمد (1388). دامنه‌های آلوده. قم: اشکذر.

بحرانهای معرفتی و درونی و تأثیر آنها بر گرایش جوانان به جرایم منافی عفت ♦ 643

- فیض کاشانی، محمد محسن (1387). تفسیر صافی. ترجمه جمعی از فضلا با نظارت عبدالرحیم عقیقی بخشایشی. قم: نوید اسلام، چ سوم.
- قاسمی، محمد علی (1392). روزی حلال (تأثیر مال و لقمه حلال و حرام بر سرنوشت انسان). قم: نور الزهراء، چ چهاردهم.
- قدسی، زهرا و ابوالحسن مجتهد سلیمانی (1389). «جرایم رایانه‌ای علیه اخلاق و عفت در حریم خانواده به‌ویژه جرم قوادی و هرزه‌نگاری». فقه و حقوق خانواده، ش 53: 118-138.
- قرائتی، محسن (1383). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، چ هشتم.
- قرائتی، محسن (1386). گناه‌شناسی. تنظیم و نگارش محمد محمدی اشتهاردی. تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، چ هفتم.
- قرائتی، محسن (1391). دقایقی با قرآن. تهران: معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه.
- کریمی، سعید (1388). «اندیشه راه». فصل‌رویش، ش 4.
- کرملی، داود (1379). ارزش اثباتی علم و آگاهی قاضی در جرایم منافی عفت. ماهنامه دادرسی، سال چهارم، شماره 54-49: 21.
- کریم‌خانی، حمزه (1389). تحلیلی بر روابط دختر و پسر. قم: عطر یاس، چ سوم.
- مجلسی، محمد باقر (1403 ق). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء، چ دوم.
- محمدی ری‌شهری، محمد (بی‌تا). میزان الحکمه. قم: دارالحدیث، چ دوم.
- محمدی ری‌شهری، محمد و همکاران (1393). حکمت‌نامه رضوی (فارسی - عربی). ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: دارالحدیث.
- محمدی‌نیا، اسدالله (1388). شکار جوانان، جلد 3. قم: سبط اکبر، چ سوم.
- مردان، سمیع‌الله (1394). «دین و فرهنگ». برگرفته از سایت: www.ido.ir/pages
- مطهری، مرتضی (1388). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا، چ شصت و سوم.
- مظاهری، علی‌اکبر (1381). جوانان و دوران نامزدی. قم: پارسایان، چ هشتم.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (1375). تفسیر نمونه، دوره 27 جلدی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ سیزدهم.
- نراقی، احمد (1383). معراج السعاده. قم: هجرت، چ دهم.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق (1389). تاریخ یعقوبی. محمد ابراهیم آیتی. نجف: علمی و فرهنگی.
- **Holy Quran.**
- **Nahj Al_Balagha.**
- Ahmadi, Ali Asghar (1996). **Educational Analysis on relations between Male and Female in Iran.** Third Edition. Tehran: Publications: Parish and Coaches of the Islamic Republic of Iran.

- Alousi Baghdadi, Abolfazl Shahabuddin (1421). **Rouh Al-Maa'ni fei tafsir Al-Qur'an Al-Asim Val-Sabah Al-Mathani**. Beirut: Institute of Arabic Studies.
- Amedi, Abdul Wahed (2005). **Explanation of Ghorar Al-Hekam and Dorar Al-Kelam**. A Description of Jamaloddin Mohammad Khansari. Sixth Edition. Tehran: University of Tehran.
- Amedi, Abdul Wahed (1956). **Ghorar Al-Hekam**. Mohammad Ali Ansari. Qom: Publishing House Daralkabat.
- Amini, Ibrahim (2000). **Islam and Education**, Vol.1. Fifth Edition. Qom: Association of Parents and Coaches.
- Beigi, Jamal; Babak Pour Ghahramani & Yousef Lilan Doust (2013). **"Preventive criminal policy on crimes against chastity in Iran"**. *Journal of the Proliferation of Crime Prevention*, No. 28, 8th course: 30-30.
- Biyabangard, Ismail (2005). **Psychology of Adolescents**. 10th Edition. Tehran: Islamic Culture Publishing House.
- Faqih Neyrizi, Mir Ahmad (2009). **Infected Skirts**. Qom: Ashkzar.
- Feiz Kashani, Mohammad Mohsen (2008). **Tafsir Safi**. Translator: A Group of Researchers under the Supervision of Abdolrahim Aqiqi Bakhsayeshi. Third Edition. Qom: Navid Islam Publishing Office.
- Ghasemi, Mohammad Ali (2013). **Halal Food (Effect of Halal and Haram on the Destiny of Man)**. 14th Edition. Qom: Noor al-Zahra.
- Hadad Zadeh Nayyeri, Mohammad Reza (2009). **"Investigation of Offenses Offering Chastity"**. *Journal of Legal Justice*, No. 67: 115-126.
- Ibn Baboieh, Muhammad Ibn Ali (Sheikh Saduq)(1403). **Al-khesal**. Research: Ali Akbar Ghafari. Qom: Institute of Al-Nashr al-Islami.
- Ibn Kathir Damashghi, Hafez (1428-29). **Tafsir al-Qur'an al-Azim**. Part 4. Beirut: Publishing: Daral-Fakr.
- Ibn Shahr-Ashoub, Abi Ja'far Rashid al-Din Mohammed (No date). **Mangibeq Al-Abitaleb**. Qom: Publications: Matba'at al-Alamayyat.
- Ismail Yazdi, Abbas (1999). **Yinabi al-Hikma**, Vol.2. Fourth Edition. Qom: Holy Mosque Publications Jamkaran.
- Jafari Langroudi, Mohammad Jafar (1999). **Expansive in Terminology of Law**. Tehran: Library of Ganj Danesh.
- Jafari Langroudi, Mohammad Jafar (2009). **Terminology of Law**. 21th Edition. Tehran: Ganj Danesh Library.
- Karami, Saeed (2009). **"Thought Way"**. *Journal of Seventh Growth*, No. 4.

- Karimkhani, Hamza (2010). **An Analysis of the Relationships between the Girl and the Son**. Third Edition. Qom: Atre Yas.
- Majlesi, Mohammad Baqir (1403). **Bahar Al-Anwar**. Second Edition. Beirut: Publications: Al-Wafa Institute.
- Makarem Shirazi, Nasser & Colleagues (1996). **Tafsir Nemoone**. 13th Edition. Tehran: Darolkotob Al-Islamiyah.
- Mardan, Samiullah (2015). "**Religion and Culture**". Retrieved from the Site: www.ido.ir/pages.
- Mazaheri, Ali Akbar (2002). **Youth and Engagement**. 8th Edition. Qom: Parsayan Publications.
- Mohammadi RayShahri, Mohammad (no date). **Mizan Al-Hikmah**. Second Edition. Qom: Publishing: Dar al-Hadith Cultural Institute.
- Mohammadi RayShahri, Mohammad & et.al. (2014). **Razavi Wisdom Letter (Farsi-Arabic)**. Translator: Hamid Reza Sheikhi. Qom: Publisher: Publishing Dar Al-Hadith.
- Mohammadinia, Asadullah (2009). **Hunting Youth**, Vol.3. Third Edition. Qom: Publication: Sebt Akbar.
- Motahhari, Morteza (2009). **Education in Islam**, 63. Tehran: Sadra Publications.
- Naraqi, Ahmad (2004). **Meraj Al-Sa'ad'ah**. 10th Edition. Qom: Publications: Hejrat.
- Qudsi, Zahra & Abolhasan Mojtahed Soleimani (2010). "**Cyber-Crimes against Ethics and Chastity in the Family, Especially Prostitution Crimes and Pornography**". *Journal of Jurisprudence and Family Law*, No. 53: 118-138.
- Qeraati, Mohsen (2007). **Guilty Cognition**. Writing: Mohammad Mohammadi Eshtehardi. 7th Edition. Tehran: Cultural Center Lessons from the Qur'an.
- Qeraati, Mohsen (2012). **Minutes with the Qur'an**. Tehran: Publisher: Cultural Deputy of the Organization for the Endowments (Waqf) and Charity.
- Qeraati, Mohsen (2004). **Tafsir Noor**. 8th Edition. Tehran: Cultural Center Lessons from the Qur'an.
- Rasouli Mahallati, Hashem (2007). **Forty Hadith**. 2nd Edition. Tehran: Publishing: Islamic Culture Publishing Office.
- Shoarinejad, Ali Akbar (1994). **Growth Psychology**. 11th Edition. Tehran: Publication: Information.

- Tabarsi, Fazl Ibn Hassan (1998). **Javame Al-Jame**. Translator: Ahmad Amiri Shah Mehri. Second Edition. Mashhad: Astan Quds Razavi Edition and Publishing Institute.
- Tabataba'i, Mohammad Hussein (1987). **Al-Mizan**. Translator: Mohammad Bagher Mousavi Hamedani. Second Edition. Qom: Publications: Allameh Tabataba'i Scientific and Contemporary Foundation with collaboration with Raja Culture Center.
- Tusi, Mohammad Ibn Hassan (1431). **Al-Tabayan Fi Tafsir Al-Quran**. Beirut: Publications: Al-Amirat.
- Yaghoubi, Ahmad Bin Ishaq (2010). **Yaghoubi's History**. Mohammad Ebrahim Ayati. Najaf: Scientific and Cultural Company.

